

بررسی میزان مالیات های اسلامی در سبد هزینه ای خانوارها و میزان اثرپذیری آن از رشد اقتصادی با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی

علی محمد احمدی^۱

رضا وفایی یگانه^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۸

چکیده

هدف این مطالعه، بررسی میزان مالیات های اسلامی (تکلیفی و تشویقی) در سبد هزینه خانوارها و همچنین بررسی تأثیر رشد اقتصادی بر میزان این هزینه ها در بین خانوارها با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی است. در این مطالعه در مرحله نخست میزان مالیات های اسلامی که خانوارها پرداخت می کنند در سبد هزینه ای خانوارها بررسی شده است؛ در مرحله بعد و با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی و ماتریس انتقالات و از طریق نرم افزار (Simsipsam)، میزان اثرپذیری این هزینه ها از رشد اقتصادی بررسی شده است. بر اساس نتایج این تحقیق در مناطق شهری خانوارهای با درآمد بالا به نسبت سهم بیشتری از درآمد خود را صرف این امور کرده اند و در مناطق روستایی تقریباً همه خانوارها به یک نسبت مساوی از هزینه های خود را صرف این امور می کنند.

واژه های کلیدی: سبد هزینه خانوارها، ماتریس حسابداری اجتماعی، ماتریس انتقالات، مالیات های اسلامی

۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) aamadi@modares.ac.ir

۲- کارشناس ارشد مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

۱- مقدمه

در نگرش اسلامی، نیازمندان در اموال ثروتمندان حق دارند و تأمین فقرا برای توانگران واجب کفایی است (میر معزی، ۱۳۹۰: ۳۸۸). اسلام برای توزیع مجدد درآمدها و ثروت ها دو نوع سیاست را اندیشیده است: سیاست تکلیفی و سیاست تشویقی.

سیاست های تکلیفی شامل خمس، زکات مال، زکات بدن (فطریه)، کفارات مالی (جریمه های شرعی برای تخلفاتی مانند شکستن نذر و قسم، خوردن روزه ماه مبارک رمضان و ارتکاب برخی محرمات احرام در حج).

علاوه بر این اسلام مردم را به صرف کردن اموال در راه خدا و کارهای خیر، به ویژه تأمین نیازمندان، تشویق کرده است. از جمله این موارد می توان به صدقه دادن، وقف، قرض الحسنه و عاریه (اموال خود را جهت استفاده و بدون چشم داشت در اختیار دیگران قرار دادن) اشاره نمود.

در صورت عدم کفایت سیاست های تکلیفی و تشویقی، دولت اسلامی می تواند برای کاهش فقر و نابرابری از ثروتمندان مالیات گرفته و برای فقرا مصرف کند زیرا اقدام در جهت عدالت اقتصادی از وظایف دولت اسلامی است (میر معزی، ۱۳۹۰). در این مطالعه صرفاً بر پرداخت های تکلیفی و تشویقی که توسط مردم در جامعه اسلامی صورت می گیرد تأکید شده است. بدین منظور از اطلاعات طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران استفاده شده است. در این مقاله نخست سهم این هزینه ها در سبد هزینه های خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک دهک های هزینه ای بررسی می شود و در قسمت بعدی تحلیل می شود که اگر تقاضای کل اقتصاد (رشد اقتصادی) افزایش یابد این هزینه ها چه تغییری می کنند. این تحلیل از طریق ماتریس حسابداری اجتماعی و توسط نرم افزار (Simsipsam)^۱ انجام می گیرد.

در این تحقیق در خصوص کم یا زیاد بودن مالیات های اسلامی توسط خانوارها بحث نمی شود بلکه صرفاً سهم مالیات های اسلامی (تکلیفی و تشویقی) که توسط خانوارها پرداخت می شوند نشان داده شده اند و تأثیر رشد اقتصادی بر این هزینه ها بررسی شده است.

1 . Simulation for Social Indicators and Poverty

۲- سؤالات تحقیق

- سهم مالیات های اسلامی و دیگر پرداخت های اسلامی در سبد هزینه ای خانوارها به چه صورت است؟

- کدام دهک هزینه ای بیشترین سهم در مالیات های اسلامی و دیگر پرداخت های اسلامی را دارد؟

- در صورت رشد اقتصادی مالیات های اسلامی و دیگر پرداخت های اسلامی که توسط خانوارها صورت می گیرد چه تغییری می کند؟

۳- مبانی نظری

هنگامی که در اقتصاد، بحث توزیع و نظریات مرتبط با آن مطرح می شود، باید بین دو دسته نظریات مربوط به توزیع درآمد تفاوت قائل شویم؛ توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید و توزیع درآمد شخصی.

۳-۱- توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید (توزیع تابعی درآمد)

در توزیع تابعی درآمد سعی بر این است تا سهم عوامل تولید یا سهم کل درآمد ملی که به وسیله هر یک از عوامل تولید دریافت می شود، توضیح داده شود و قسمت قابل ملاحظه مباحث توزیع مانند بازار کار، بازار سرمایه و منحنی های عرضه و تقاضا از این مقوله است (بختیاری، ۱۳۸۵). براساس نظریه های اقتصاد خرد، ساخت بازار تأثیر قابل توجهی در این توزیع دارد و مهم ترین عامل تعیین کننده توزیع در نظام بازاری، ارزش تولید نهایی عوامل تولید است. ساخت بازار با توجه به قوانین مختلف حاکم بر آن به همراه درآمد و سود انحصاری در این نظام، عامل مؤثری در ایجاد نابرابری درآمد افراد در کشورهای مختلف بوده است (جعفری صمیمی، ۱۳۸۱).

این پدیده ها به همراه دوره های تجاری و بحران های اقتصادی، دولت ها را به مداخله روز افزون واداشته و اسباب توزیع مجدد درآمدها را فراهم ساخته است. باید توجه داشت که در این مرحله تعیین و توزیع درآمد تنها براساس نسبت واقعی شرکت عوامل تولید تحقق نمی یابد و با توجه به نیاز آن ها تأمین می شود (منتظرظهور، ۱۳۷۶). سیاست ها و برنامه های مختلف دولت برای تحقق هدف توزیع درآمد، باید در افق زمانی دراز مدت در نظر گرفته شود.

۳-۲- توزیع شخصی یا مقداری درآمد

در توزیع شخصی یا مقداری درآمد، تنها با اشخاص و یا خانوارها و کل درآمدی که آن ها دریافت می کنند سر و کار داریم و طریقه کسب درآمد اهمیتی ندارد. آن چه اهمیت دارد آن است که هر واحد چه مقدار درآمد کسب نموده، بدون توجه به این که این درآمد از چه طریقی کسب شده باشد. مسئله توزیع درآمد شخصی با نابرابری های درآمد و فقر، رابطه تنگاتنگ داشته و در مباحث توزیع درآمد و فقر عموماً از این مقوله استفاده شده است (بختیاری، ۱۳۸۵).

با توجه به هدف مورد نظر در بررسی توزیع درآمد، نمی توان از هر مفهوم درآمدی استفاده نمود و به ارتباط منطقی بین هدف و مفهوم درآمد باید کاملاً توجه شود. بنابراین بهتر است برای بررسی الگوی توزیع درآمد بر نحوه مصرف کالاها و خدمات از درآمد قابل تصرف (درآمد شخصی) استفاده گردد.

۳-۳- توزیع درآمد در اقتصاد اسلامی

اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را تخصیص نامناسب منابع به گروهی و محروم ساختن دیگران و نیز به کار نگرفتن توان انسان در بهره برداری از منابع طبیعی می داند. بدین سبب برای از میان بردن مشکل اول، بر توزیع مناسب درآمد تأکید می ورزد و برای رفع مشکل دوم، در جهت ایجاد انگیزه های کار و تلاش گام برمی دارد. مطلوب نهایی اسلام در توزیع درآمد، مواسات و ایثار است (صدر، جلد ۱).

روش اسلام در توزیع درآمد بر اصولی مبتنی است که بخشی از آن چنین است: ۱. احترام به حق مالکیت خصوصی با آزادی اقتصادی در کادر محدود؛ ۲. حق عموم مردم در منابع طبیعی پیش از تولید؛ ۳. حق تهی دستان در اموال ثروتمندان (صدر، جلد ۱).

توزیع درآمد و ثروت در نظام اقتصادی اسلام از طریق معیارهای متفاوتی انجام می شود. برخی از این معیارها شرعی و الزامی و برخی اختیاری است. معیارهای الزامی عبارتند از زکات، خمس، قانون ارث، منع ربا، منع احتکار، منع اسراف و تبذیر، منع کسب درآمد از طریق مشاغل نامشروع از قبیل قمار، تقلب و غیره. معیارهای اختیاری عبارتند از کارهای خیر اختیاری که ثروتمندان برحسب وظیفه، داوطلبانه اقدام به انجام آن می کنند؛ از آن جمله می توان به صدقات و قرض الحسنه اشاره کرد. آنان وظیفه دارند ثروت خویش را در راه رفاه عموم جامعه صرف کنند (بناء رضوی، ۱۳۶۷).

در اقتصاد متعارف به هنگام بحث در توزیع درآمد، یکی از دو حالت درآمد مبتنی بر عوامل تولید و یا توزیع درآمد شخصی متصور است: در نوع اول، کار، طبیعت و سرمایه مورد بحث قرار می گیرد؛ درحالی که در توزیع درآمد شخصی بحث این است که سهم طبقات مختلف درآمدی از کل درآمد و تولید جامعه به چه شکل است. در هر دو نوع این توزیع، به مراحل قبل از توزیع توجهی نمی شود و صرفاً به توزیع بعد از تولید اکتفا می شود. در حالی که در اقتصاد اسلامی مباحث مربوط به توزیع عموماً از نوع اول و برای توزیع قبل از تولید نیز سیستم خاصی در نظر گرفته شده است.

اقتصاددانان اسلامی در مباحث توزیع قبل از تولید عموماً کار و سرمایه را از بحث خود خارج می کنند و تنها به بحث از طبیعت می پردازند. محمد باقر صدر، از پایه گذاران اقتصاد اسلامی، در رابطه با کفایت بحث طبیعت، سرمایه را ثروت هایی می داند که از مراحل مختلف گذشته و واجد شرایطی هستند که دوباره در تولید ثروت های جدید قرار گیرند. بنابراین ابزار تولید ثروت طبیعی محسوب نشده، بلکه مقداری ماده طبیعی است که در اثر کار بدین شکل درآمده است. اما «کار» عامل غیر مادی تولید است و موضوع مالکیت خصوصی یا عمومی واقع نمی شود.

از نظر اسلام کار سبب می شود کارگر، مالک حاصل کار خویش شود و مالکیت خصوصی که بر این اساس پی ریزی شده، نشان دهنده تمایل طبیعی انسان به تملک و مالکیت حاصل کار خویش است. به همین علت تملک بر اساس حاصل کار، حق طبیعی انسان بوده و از احساسات و عواطف غریزی وی سر چشمه می گیرد. شاید به همین علت پایه مالکیت کارگر از نظر اسلام کار می باشد و هر کارگری به وسیله کار از ثروت های طبیعی که حاصل می شود بهره مند می گردد و بر طبق قاعده «کار، علت مالکیت است» حاصل کار خویش را به تملک در می آورد. حال با روشن شدن نقش کار در این رابطه و در بحث توزیع درآمد شخصی، اقتصاد اسلامی به نقش احتیاج نیز توجه کافی مبذول داشته و بنابراین شکل عمومی توزیع درآمد در اسلام از نقش مشترک دو عامل کار و احتیاج پدید می آید (همان).

برای توضیح این نقش، که احتیاج در آن سهیم است، افراد جامعه را می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول کسانی هستند که دارای قدرت فکری و جسمی مناسبی هستند و می توانند زندگی بهتری نسبت به دیگران داشته باشند و از رفاه بیشتری بهره مند گردند. تا هنگامی که این افراد به

قوانین و مقررات پایبندند و از محدوده دین فراتر نرفته اند می توانند بیش از احتیاجات خویش داشته باشند. بنابراین نیاز نمی تواند برای این دسته از مردم نقش مهمی داشته باشد. در این دسته از مردم کار عامل تعیین کننده سهم آنان از توزیع درآمد است. گروه دوم کسانی هستند که کار می کنند و محصول کارشان به سختی کفاف یک زندگی عادی و معمولی را می دهد. توزیع درآمد در این گروه به هر دو عامل کار و نیاز بستگی دارد. یعنی آن ها فقط با کارکردن می توانند ضروریات اولیه زندگی را تهیه کنند و نیاز موجب می شود سهم بیشتری از درآمد به آن ها عطاء گردد. به گونه ای که بتوانند زندگی آسوده و راحتی داشته باشند. گروه سوم؛ ضعفاء، معلولان و کسانی هستند که توانایی کار ندارند. توزیع درآمد در این گروه صرفاً براساس نیاز است؛ زیرا این گروه قادر به کار نیستند و حق دارند تا حدی که حیات و زندگی آن ها تأمین شود از درآمد استفاده کنند. باید توجه داشت که برای این دو گروه اخیر، درآمد باید از طریق تعاون اجتماعی و دولت اسلامی تأمین گردد (سید محمد باقر صدر، جلد ۱).

اسلام علاوه بر کار و احتیاج، مالکیت را به عنوان وسیله ثانویه توزیع معرفی می کند. یعنی انسان ها می توانند با ثروت ناشی از کار به تجارت و سایر معاملات اقدام نمایند و سود به دست آورند. البته این فعالیت ها باید در چارچوب ارزش های نظام اجتماعی باشد.

همان طور که گفته شد در اسلام درآمد هر فرد بستگی به مقدار کاری دارد که به جامعه عرضه می کند. همه انسان ها در بهره مندی از نیروهای فکری و بدنی مساوی نیستند و سهم آن ها در تولید نیز متفاوت است. براساس این معیار توزیعی، درآمد های حاصله یکنواخت نخواهد بود. این عوامل تفاوت در کسب درآمد به عنوان یک نظام انگیزه ای در تولید می تواند مفید باشد. با این وجود در اسلام اختلاف درآمدها نمی تواند زیاد گسترده باشد؛ زیرا هر فرد مسلمان ثروتمند خود را پایبند به قوانین و مقررات اسلامی می داند و این قوانین، انباشتن ثروت را محدود می سازد و راه را برای توزیع عادلانه و برابر درآمدها هموار می سازد.

فرهنگ اسلام به گونه ای است که با رواج آن عملاً نابرابری های زیاد درآمدی از بین می رود. عمر چپرا معتقد است عدالت توزیعی اسلام براساس برنامه ای است که پنج عنصر اساسی را در بر می گیرد: نخست انجام اقداماتی برای آموزش و سپس کمک به بیکارانی که در پی یافتن کار متناسب با توان خود (شغلی مفید) هستند؛ دوم ایجاد سیستم «پاداش دهی عادلانه به افراد شاغل»؛ سوم انجام اقدامات اجباری در جهت بیمه علیه بیکاری و خطرات شغلی، پرداخت مستمری و اعانه به بازماندگان

توسط کسانی که استطاعت دارند؛ چهارم کمک به کسانی که به علت ناتوانی، معلولیت ذهنی یا جسمی، یا کهولت نمی توانند معاش خود را تأمین کنند و یا با تلاش خود سطح زندگی آبرومندانه ای به دست آورند؛ و پنجم جمع‌آوری و توزیع زکات و اجرای دستورات اسلامی در زمینه تقسیم‌داری افراد متوفی به منظور سرعت بخشیدن به توزیع درآمد و زکات در جامعه اسلامی به گونه ای که به بیان قرآن «میان توانگران شما دست به دست نگرند» (عمر چپرا، ۱۳۷۴). بنابراین ملاحظه می شود که عدالت اجتماعی مورد نظر با فقر ارتباطی معکوس دارد و در صورت تحقق عدالت، فقر از میان خواهد رفت.

۴- پیشینه تحقیق

کیاء حسینی (۱۳۸۷) در مطالعه ای به بررسی نقش زکات در فقرزدایی پرداخت. در این مطالعه با توجه به آمار دهک هایی که زیر خط فقر قرار دارند مبالغ زکات فطره کشور برای دو جامعه روستایی و شهری کشور در سطح خانوار و ملی محاسبه شد و سرانجام با در نظر گرفتن نتیجه مربوطه به شکاف فقر، مقایسه ای بین مبلغ زکات فطره در سطح کشور انجام شد. بر اساس نتایج این مطالعه در فاصله زمانی ۱۳۷۰-۱۳۸۵ مبالغ زکات بالقوه برای فقر زدایی کافی نبوده و باید از ابزارهای دیگری مثل زکات مال، خمس و دیگر پرداخت ها یاری جست.

کمیحانی و عسگری (۱۳۸۳) با تحلیل مقایسه ای آثار اقتصادی زکات و مالیه تورمی، نتایج وضع این دو نوع مالیات را بر رشد اقتصادی، تورم و رفاه اقتصادی تبیین نمودند. روش بحث در این مقاله کاملاً نظری است. پس از بیان نظریات موجود، آنان می کوشند با تمسک به منابع اسلامی، نظریه منتخب خود در مورد زکات را ارائه دهند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که تعلیق زکات به مال راکد و عدم تعلق آن به سپرده های پس انداز، می تواند موجبات سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را فراهم آورد، در حالی که اثرات مالیه بر کسی پوشیده نیست، در حالی که زکات از یکسو، نوعی تثبیت کننده خودکار اقتصادی و از سوی موجب چرخش مال از صاحبان ثروت به فقراء و نوعی نظام تخصیص مجدد منابع است. آثار مثبت رفاهی در وضع زکات، در فضایی که تعالیم اسلامی برای زکات دهنده و زکات گیرنده را ترسیم نموده، در مقایسه با آثار منفی رفاهی مالیه تورمی، نظیر اختلال در نظام پرداختها و کاهش موجودی پولی واقعی، بسیار متمایز است.

به نظر محمدتقی گیلک حکیم آبادی (۱۳۸۵) زکات یک واجب عبادی مالی است که مهمترین موارد مصرف آن تأمین زندگی فقراء و مساکین و تأمین نیازهای عام المنفعه (فی سبیل اله) است. استان گلستان جزء پنج استان مهم تولید کننده گندم است و وجود زمینیه های اعتقادی مردم مسلمان شیعه و سنی استان و همچنین فقر موجود در آن، انگیزه بررسی توان زکات در کاهش فقر در استان در این تحقیق است. بر اساس اطلاعات موجود در زمینه گندم و جو و تعدیل آنها متناسب با احکام زکات، مقدار زکات گندم و جو در سطح استان بین سال های ۱۳۸۰-۱۳۷۶ برآورد گردید و سپس با مهمترین هزینه های دولت در جهت موارد فقرزدایی، عمران و نوسازی روستاها و آموزش و پرورش مقایسه صورت گرفت. نتیجه این تحقیق نشان می دهد چنانچه گردآوری و هزینه کردن زکات با درایت و مدیریت انجام شود، زکات توان تأمین مالی درصد بالایی از موارد فوق را دارد. شایان ذکر است که سهم این تحقیق در طرح مباحث اساسی فقهی اقتصادی زکات به ویژه در برآورد صحیح و همچنین مصارف آن است.

حمزه پور، صدر و کفایی (۱۳۸۱)، در مطالعه ای با عنوان بررسی مالیات بر شرکت ها در ایران براساس الگوی مالیات های اسلامی، نخست الگویی براساس مالیات های اسلامی در صدر اسلام استخراج نمودند، سپس، تطابق و سازگاری نظام سابق مالیات بر شرکت ها با آن را مورد آزمون قرار دادند. بر اساس نتایج این تحقیق، نظام سابق مالیات بر شرکت ها با الگوی یاد شده تطابق ندارد. این نتایج، بر اساس یک جامعه آماری مرکب از ۱۰۱۰۸ پرونده مالیاتی مربوط به سال ۱۳۷۳ به دست آمده است. به منظور دستیابی بیشتر به کارایی و عدالت اقتصادی که هدف الگوی مالیات های اسلامی است، نظام جدیدی برای بخش مالیات بر شرکت ها طراحی و میزان تطابق آن با الگوی مورد مطالعه آزمون شد. این تطبیق موجب می شود که هم، کارایی و عدالت مالیاتی تحقق یابد و هم، از درآمدهای مالیاتی دولت کاسته نشود.

پرمه و دباغ (۱۳۸۲) در مقاله ای با هدف بررسی توزیع درآمد (چگونگی شکل گیری درآمد فعالیت های تولید، خانوار و عوامل تولید در اثر تغییر متغیرهای برون زا) از ماتریس حسابداری اجتماعی استفاده نمودند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که بررسی توزیع درآمد در مدل های کلان نگر دارای اهمیت ویژه ای است، زیرا این مدل با توجه به در نظر گرفتن کلیت اقتصاد یک کشور، تمام پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم بین بخش های اقتصادی و اجتماعی را در بر می گیرد. شبیه سازی سناریوها نیز نشان داد در بین بخش های دهگانه مورد بررسی بخش کشاورزی بیش از بخشهای دیگر درآمد را

توزیع می نماید و پس از آن زیر بخش کالاهای صنعتی بی دوام قرار دارد؛ در حالی که ۱۰۰ درصد درآمد ایجاد شده در بخش های معدن، کالاهای صنعتی بادوام، حمل و نقل، خدمات مالی و خدمات خصوصی در خود بخش ها توزیع می گردد و تراوشی به دیگر بخش ها ندارند. نیروی کار بخش صنعت و خدمات در اثر تغییر تقاضای برونزا (سرمایه گذاری و صادرات) بیشترین درآمد را از دست می دهند؛ در حالی که کارگران بخش کشاورزی بیشترین درآمد را به دست می آورند. در طرف حساب سرمایه نیز در اثر شوک وارده بر متغیرهای برونزا، دریافتی سرمایه بخش های صنعت و معدن کاهش یافته، در صورتی که دریافتی حساب سرمایه بخش های کشاورزی و خدمات افزایش یافته است. به جز تقاضای بخش های کشاورزی و کالاهای بی دوام، تقاضای نهایی سایر بخش ها تأثیر منفی بر توزیع درآمد خانوارهای روستایی دارد از طرف دیگر این دو بخش بیشترین تأثیر منفی را بر توزیع درآمد خانوارهای صاحب سرمایه شهری به جای می گذارند.

بانویی و مؤمنی (۱۳۸۹) در تحلیلهای سیاستی اقتصادی و اجتماعی، بر اتخاذ دو نوع سیاست گذاری در چارچوب ماتریس حسابداری اجتماعی تأکید نمودند. نوع اول، هدایت منابع از بستر فعالیتهای تولیدی بر رشد (تولید) و توزیع (درآمد خانوارها) و نوع دوم هدایت منابع از طریق انتقالات جاری دولت به خانوارها و آثار آن بر رشد و توزیع. ضرایب رشد و توزیع ناشی از اتخاذ بالقوه هر یک از این دو نوع سیاست گذاری در اقتصادهای ایران، مالزی، اندونزی، هند، چین و شوروی با توجه به پرسش اصلی زیر مبنای سنجش قرار می گیرند.

«ساختار اقتصاد کدامیک از کشورهای مورد بررسی از منظر رشد و توزیع نسبت به اتخاذ بالقوه دو نوع سیاست گذاری دارای انعطاف پذیری بیشتری است و جایگاه ایران چگونه خواهد بود؟» نتایج نشان می دهند که در مقایسه با سایر کشورها، انعطاف پذیری ساختار اقتصاد ایران در نوع اول سیاست گذاری نسبت به نوع دوم بیشتر است.

۵- بررسی میزان مالیات های اسلامی در سبد هزینه ای خانوارها

مالیات های اسلامی یا به عبارتی پرداخت های تکلیفی و تشویقی شرعی در طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارها در قسمت هزینه های انتقالی تحت عنوان هزینه های مذهبی آورده شده است (خمس، زکات، فطریه، کفاره، نذر، صدقه و غیره). سهم این هزینه ها از کل هزینه های غیر خوراکی در

خانوارهای شهری و روستایی در جداول (۱) تا (۴) نشان داده شده است. در جدول شماره (۱) مالیات های اسلامی و سهم آنها از کل هزینه های غیر خوراکی خانوارهای شهری در دهک های مختلف در سال ۱۳۸۹ نشان داده شده است. بر اساس این جدول به طور متوسط سهم این هزینه ها در هزینه غیر خوراکی خانوارهای شهری معادل ۸ هزارم درصد بوده است و هر خانوار شهری سالانه به طور متوسط معادل ۷۱۵۸۵۸ ریال صرف مالیات های اسلامی می کند. در بین دهک های شهری، دهک نهم و دهم به ترتیب با ۱۲ درصد و ۱۰ درصد به نسبت، بیشترین مالیات های اسلامی را پرداخت می کنند و بر اساس منطق اسلامی نیز قاعدتاً باید بدین صورت باشد و خانوارهای با درآمد بالا نقش بیشتری در پرداخت این هزینه ها داشته باشند و از این طریق مقداری از درآمد آنها صرف بهبود وضعیت دهک های پایین تر شود.

جدول (۱) - مالیات های اسلامی و سهم آنها از کل هزینه های غیر خوراکی خانوارهای شهری در

دهک های مختلف در سال ۱۳۸۹

شهری	مالیات های اسلامی (ریال)	هزینه های غیر خوراکی (ریال)	سهم مالیات های اسلامی از هزینه های غیر خوراکی (ریال)
کل	۷۱۵۸۵۸	۹۰۲۴۵۲۱۹	۰.۰۰۸
دهک اول	۱۵۴۴۷۴	۱۸۱۴۲۲۰۴	۰.۰۰۹
دهک دوم	۳۳۵۰۸۲	۳۱۸۰۸۴۲۱	۰.۰۰۱
دهک سوم	۳۷۴۸۸۸	۴۱۱۳۹۳۵۹	۰.۰۰۹
دهک چهارم	۴۲۰۲۱۳	۵۰۶۸۶۰۴۶	۰.۰۰۰۸
دهک پنجم	۵۲۴۶۲۰	۶۰۸۰۴۵۸۳	۰.۰۰۰۹
دهک ششم	۶۰۸۹۸۶	۷۳۷۲۰۹۴۰	۰.۰۰۰۸
دهک هفتم	۶۸۱۰۳۸	۸۹۱۳۹۰۲۸	۰.۰۰۰۸
دهک هشتم	۸۹۴۹۳۳	۱۰۹۹۲۱۳۷۶	۰.۰۰۰۸
دهک نهم	۱۱۰۶۴۳۲	۹۵۹۰۸۷۵	۰.۱۲
دهک دهم	۲۰۵۸۶۰۰	۱۸۸۰۸۹۱۸	۰.۱

مأخذ: طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۸۹

در جدول شماره ۲ سهم مالیات های اسلامی از کل هزینه های غیر خوراکی بر حسب وضعیت شغلی سرپرست خانوار نشان داده شده است. بر اساس این جدول کارفرما با توجه به توانایی مالی بیشتر به نسبت، هزینه های بیشتری صرف این امور کرده اند.

جدول (۲) - سهم مالیات های اسلامی از کل هزینه های غیر خوراکی بر حسب وضع شغلی

سرپرست خانوار شهری

شهری	هزینه های غیر خوراکی	مالیات های اسلامی	سهم مالیات های اسلامی از هزینه های غیر خوراکی (ریال)
کارفرما	۱۵۶۸۶۴۰	۱۳۲۱۳۵۱۵۶	۰.۰۱۲
کارکن مستقل	۷۲۰۵۳۵	۷۸۹۹۳۸۱۶	۰.۰۰۹
مزد و حقوق بگیر عمومی	۹۸۱۷۸۵	۱۲۸۳۷۹۱۶۱	۰.۰۰۸
مزد و حقوق بگیر تعاونی	۹۶۵۸۱۲	۱۰۷۳۳۷۲۰۶	۰.۰۰۹
مزد و حقوق بگیر خصوصی	۴۳۵۹۶۳	۷۲۹۲۴۲۴۸	۰.۰۰۶
کارکن فامیلی	۱۷۳۱۱۸	۷۴۵۵۰۸۶۲	۰.۰۰۲
غیر شاغل	۷۰۴۵۱۵	۸۳۹۸۲۱۶۷	۰.۰۰۸

مأخذ: طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۸۹

در جدول شماره (۳) هزینه های مذهبی و سهم آنها از کل هزینه های غیر خوراکی خانوارهای روستایی در دهک های مختلف نشان داده شده است. بر اساس این جدول دهک های مختلف روستایی تقریباً به طور یکسان نسبت ۰/۰۱۶ از هزینه غیر خوراکی خود را صرف هزینه های مذهبی می کنند.

جدول (۳) - مالیات های اسلامی و سهم آنها از کل هزینه های غیر خوراکی خانوارهای روستایی

در دهک های مختلف در سال ۱۳۸۹

روستایی	مالیات های اسلامی	هزینه های غیر خوراکی	سهم مالیات های اسلامی از هزینه های غیر خوراکی (ریال)
کل	۷۱۵۹۳۲	۴۳۶۵۵۴۷۲	۰.۰۱۶
دهک اول	۱۱۵۱۶۵	۷۰۱۷۵۲۸	۰.۰۱۶
دهک دوم	۱۹۲۵۹۰	۱۲۷۵۹۲۱۹	۰.۰۱۵
دهک سوم	۲۸۵۷۶۸	۱۷۲۱۷۲۰۶	۰.۰۱۷
دهک چهارم	۳۵۹۵۹۵	۲۲۲۲۲۸۶۷	۰.۰۱۶
دهک پنجم	۴۴۲۹۹۴	۲۷۵۷۷۹۰۳	۰.۰۱۶
دهک ششم	۵۵۴۵۰۴	۳۳۷۷۲۶۰۵	۰.۰۱۶
دهک هفتم	۶۹۰۹۱۷	۴۲۳۹۲۴۱۵	۰.۰۱۶
دهک هشتم	۸۴۴۱۸۳	۵۳۹۰۸۳۵۲	۰.۰۱۶
دهک نهم	۱۱۵۸۲۹۱	۷۳۶۱۳۴۶۲	۰.۰۱۶
دهم	۲۵۱۶۱۲۶	۱۴۶۱۲۳۲۴۶	۰.۰۱۷

ماخذ: طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی سال ۱۳۸۹

در جدول شماره (۴) سهم هزینه های مذهبی از کل هزینه های غیر خوراکی بر حسب وضع شغلی سرپرست خانوار نشان داده شده است. بر اساس این جدول کارفرما با توجه به توانایی مالی بیشتر به نسبت هزینه های بیشتری صرف این امور کرده است.

جدول (۴) - سهم مالیات های اسلامی از کل هزینه های غیر خوراکی بر حسب وضع شغلی

سرپرست خانوار روستایی

روستایی	هزینه های غیر خوراکی	مالیات های اسلامی	سهم مالیات های اسلامی از کل هزینه های غیر خوراکی
کارفرما	۴۲۳۳۹۸۵۶	۱۷۷۰۴۲۰	۰.۰۴
کارکن مستقل	۵۹۱۹۸۷۲۰	۸۸۰۸۲۹	۰.۰۱۵۴
مزد و حقوق بگیر عمومی	۸۳۳۳۵۸۴۹	۷۴۰۸۰۰	۰.۰۰۹
مزد و حقوق بگیر تعاونی	۵۰۱۱۴۴۸۴۰	۵۱۴۸۶۶	۰.۰۰۱
مزد و حقوق بگیر خصوصی	۳۶۳۳۷۹۲۷	۴۰۱۴۳۲	۰.۰۱۱
کارکن فامیلی	۳۷۵۵۳۵۶۲	۱۹۷۶۱۱	۰.۰۰۵
غیر شاغل	۳۱۲۰۶۸۳۶	۴۶۲۹۸۲	۰.۰۱۵

ماخذ: طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی سال ۱۳۸۹

۶- بررسی میزان تغییر پذیری مالیات های اسلامی در اثر رشد اقتصادی با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی

۶-۱- ماتریس حسابداری اجتماعی^۱

ماتریس حسابداری اجتماعی^۲ به عنوان یک ابزار آماری جهت تجزیه و تحلیل نقش نهادهای اقتصادی به ویژه خانوارها در ایجاد و توزیع درآمد کاربرد دارد. براساس چارچوب این ماتریس، امکان بررسی آثار سیاستهای اقتصادی بر خانوارها و سایر نهادهای اقتصادی فراهم می شود.

این ماتریس دارای پنج حساب در سطح کلان می باشد: حساب تولید (فعالیت های تولیدی)، حساب عوامل تولید، حساب نهادهای، حساب سرمایه و حساب دنیای خارج (بانویی، ۱۳۸۰). از پنج حساب مذکور، حساب های تولید، عوامل تولید و نهادهای، حساب های اصلی و درونزای هر ماتریس

۱- جهت دریافت اطلاعات بیشتر به منابع پایانی مراجعه شود. در این مقاله این مباحث به اقتضاء به طور خلاصه آورده شده است.

2 . Social Accounting Matrix (SAM)

حسابداری اجتماعی را تشکیل می دهند که به صورت منطقی با یکدیگر در تعامل هستند. تعامل سه حساب مذکور در واقع کارکرد وابستگی های یک سیستم اقتصادی بین فعالیت های تولید، توزیع درآمد ساختاری عوامل تولید و توزیع درآمد ساختاری - نهادی است که خود می تواند الگوی مصرفی طیف وسیعی از گروه های اقتصادی و اجتماعی خانوارها را تعیین کند (ثوریک، ۲۰۰۳). سایر حساب ها، دولت، سرمایه و دنیای خارج، حساب های برونزای ماتریس حسابداری اجتماعی می باشند.

تحلیل همزمان اقتصادی و اجتماعی تأثیر حساب های برونزا بر حساب های درونزا در دو رویکرد: ضرایب فزاینده متوسط و ضرایب فزاینده نهایی امکان پذیر می گردد. این نوع ضرایب فزاینده به اثرات همه جانبه معروف اند و میزان تأثیرگذاری کل یک حساب بر سایر حساب ها را نشان می دهند (یات و پاند، ۱۹۷۹).

ضرایب فزاینده در الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی، تأثیر افزایش یک واحد تقاضای کل (رشد اقتصادی) بر افزایش درآمد نهادها (خانوارها و شرکت ها) و بخش های تولیدی را نشان می دهد که این افزایش از طریق تبادلات بین بخش ها و درون بخش ها حاصل می گردد، به طور مثال افزایش تقاضای کل از طریق افزایش پرداختی به عوامل تولید موجب افزایش درآمد خانوارها می شود اما از طرف دیگر در درون خانوارها نیز با افزایش تقاضای کل تبادلات بین آنها نیز افزایش می یابد. یکی از این تبادلات در جوامع اسلامی همان تکالیف شرعی افراد به همدیگر است که هر خانوار در صورت افزایش درآمدش بر اساس احکام اسلامی مقداری از آن را به هموعان خود پرداخت می کند. این پرداختی ها در ماتریس حسابداری اجتماعی تحت عنوان ماتریس انتقالات بین خانوارها قابل بررسی است.

در این مطالعه بر اساس ماتریس حسابداری اجتماعی تهیه شده توسط مرکز پژوهش ها برای سال ۱۳۸۵ نخست بر اساس نرم افزار simsipsam ماتریس ضرایب همه جانبه ماتریس حسابداری محاسبه شده اند و در گام بعدی نیز با تجزیه این ضرایب صرفاً ماتریس ضرایب انتقالات بین خانوارها محاسبه شده است.

در این مطالعه جهت سهولت کار، دهک های هزینه ای خانوار به سه قسمت تبدیل شده اند: خانوارهای فقیر (سه دهک اول)، خانوارهای متوسط (چهار دهک وسط) و خانوارهای با درآمد بالا (سه دهک بالا). در جدول شماره (۵) ماتریس ضرایب فزاینده همه جانبه ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵ نشان داده شده است. به طور مثال در صورت افزایش یک واحد تقاضای کل از

طریق بخش کشاورزی درآمد خانوارهای فقیر ۰/۲۶ واحد تغییر می کند. همان طور که گفته شد جهت تحلیل دقیق تر باید این ماتریس ضرایب همه جانبه را تجزیه کرد که قسمت مربوط به ماتریس ضرایب انتقالات در جدول شماره (۶) نشان داده شده است.

جدول (۵) - ماتریس ضرایب فزاینده همه جانبه ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵

کشاورزی	نفت و گاز طبیعی	سایر معادن	صنعت	آب و برق و گاز	ساختن	خدمات	دستمزد	درآمد مختلط	سود سرمایه	شهری	خانوارهای فقیر متوسط شهری	خانوارهای بالا شهری	خانوارهای با درآمد متوسط روستایی	خانوارهای با درآمد بالا روستایی	خانوارهای با درآمد متوسط روستایی	شرکت ها
۱.۳۲	۰.۰۲	۰.۰۱	۰.۵۵	۰.۱۵	۰.۰۲	۰.۷۱	۰.۲۳	۰.۶۹	۰.۵۴	۰.۱۱	۰.۲۳	۰.۵۰	۰.۰۲	۰.۰۵	۰.۱۳	۰.۴۲
۰.۰۵	۱.۰۰	۰.۰۰	۰.۱۶	۰.۰۲	۰.۰۱	۰.۲۵	۰.۰۸	۰.۰۵	۱.۰۹	۰.۰۴	۰.۰۹	۰.۱۹	۰.۰۱	۰.۰۲	۰.۰۵	۰.۸۴
۰.۰۷	۰.۰۰	۱.۰۱	۰.۲۱	۰.۰۶	۰.۰۲	۰.۳۰	۰.۰۵	۰.۰۹	۰.۵۲	۰.۰۴	۰.۰۸	۰.۱۷	۰.۰۱	۰.۰۲	۰.۰۵	۰.۴۱
۰.۱۶	۰.۰۱	۰.۰۲	۱.۶۲	۰.۰۵	۰.۰۱	۰.۳۵	۰.۱۷	۰.۱۵	۰.۴۲	۰.۰۴	۰.۰۹	۰.۲۰	۰.۰۱	۰.۰۲	۰.۰۵	۰.۳۲
۰.۰۹	۰.۰۵	۰.۰۱	۰.۳۷	۱.۵۰	۰.۰۳	۰.۴۵	۰.۳۱	۰.۱۲	۰.۸۱	۰.۰۶	۰.۱۳	۰.۲۹	۰.۰۱	۰.۰۳	۰.۰۸	۰.۶۳
۰.۱۷	۰.۰۱	۰.۰۳	۰.۶۸	۰.۰۷	۱.۰۴	۰.۷۱	۰.۲۹	۰.۶۳	۰.۵۵	۰.۱۱	۰.۲۳	۰.۵۰	۰.۰۲	۰.۰۵	۰.۱۴	۰.۴۳
۰.۰۹	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۳۳	۰.۰۵	۰.۰۲	۱.۵۱	۰.۳۳	۰.۲۰	۰.۶۰	۰.۰۷	۰.۱۴	۰.۳۱	۰.۰۱	۰.۰۳	۰.۰۸	۰.۴۶
۰.۱۷	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۵۲	۰.۰۷	۰.۰۱	۰.۸۰	۱.۲۰	۰.۱۷	۰.۴۰	۰.۱۴	۰.۳۰	۰.۶۶	۰.۰۲	۰.۰۷	۰.۱۸	۰.۳۱
۰.۱۹	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۵۸	۰.۰۸	۰.۰۲	۰.۹۰	۰.۲۳	۱.۱۹	۰.۴۵	۰.۱۶	۰.۳۳	۰.۷۴	۰.۰۲	۰.۰۸	۰.۲۰	۰.۳۵
۰.۰۵	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۱۴	۰.۰۲	۰.۰۰	۰.۲۲	۰.۰۶	۰.۰۵	۱.۱۱	۰.۰۴	۰.۰۹	۰.۱۸	۰.۰۱	۰.۰۲	۰.۰۵	۰.۸۶
۰.۴۰	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۵۳	۰.۱۰	۰.۰۲	۰.۷۶	۰.۲۱	۰.۲۷	۰.۴۳	۱.۰۷	۰.۱۳	۰.۲۸	۰.۰۱	۰.۰۳	۰.۰۷	۰.۳۳
۰.۲۰	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۵۶	۰.۰۹	۰.۰۱	۰.۸۴	۰.۲۲	۰.۱۹	۰.۴۳	۰.۰۵	۱.۱۳	۰.۲۴	۰.۰۱	۰.۰۳	۰.۰۶	۰.۳۴
۰.۱۲	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۵۸	۰.۰۷	۰.۰۲	۰.۹۸	۰.۲۴	۰.۱۷	۰.۴۷	۰.۰۵	۰.۱۱	۱.۲۶	۰.۰۱	۰.۰۳	۰.۰۷	۰.۳۶
۰.۲۶	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۶۴	۰.۰۹	۰.۰۱	۰.۶۸	۰.۱۹	۰.۲۰	۰.۴۰	۰.۰۵	۰.۱۱	۰.۲۳	۱.۰۲	۰.۰۲	۰.۰۶	۰.۳۱
۰.۲۷	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۶۳	۰.۰۹	۰.۰۱	۰.۷۴	۰.۲۰	۰.۲۲	۰.۴۲	۰.۰۵	۰.۱۱	۰.۲۵	۰.۰۱	۱.۰۴	۰.۰۷	۰.۳۳
۰.۲۴	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۶۴	۰.۰۸	۰.۰۲	۰.۸۶	۰.۲۲	۰.۲۱	۰.۴۵	۰.۰۶	۰.۱۲	۰.۲۶	۰.۰۱	۰.۰۳	۰.۰۹	۰.۳۵
۰.۰۱	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۴	۰.۰۱	۰.۰۰	۰.۰۶	۰.۰۲	۰.۰۱	۰.۰۳	۰.۰۱	۰.۰۳	۰.۰۵	۰.۰۰	۰.۰۱	۰.۰۱	۱.۰۳

جدول (۶) - ماتریس ضرایب انتقالات بین خانوارها

خانوارهای فقیر شهری	خانوارهای با درآمد متوسط شهری	خانوارهای با درآمد بالا شهری	خانوارهای فقیر روستایی	خانوارهای با درآمد متوسط روستایی	خانوارهای با درآمد بالا روستایی
۰.۰۱۲۷۶۸۷۴۵	۰.۰۰۰۰۰۰۷۲۲	۰.۰۰۰۰۰۰۱۱۹۲	۰.۰۰۰۰۰۰۲۵۷۱	۰.۰۰۰۰۰۰۴۶۴	۰.۰۰۰۰۰۰۰۷۵۱
۰.۰۰۰۰۰۰۱۸۵۲	۰.۰۱۵۴۹۱۱۷۸	۰.۰۰۰۰۰۰۲۹۸۰	۰.۰۰۰۰۰۰۶۴۲۹	۰.۰۰۰۰۰۰۱۱۶۰	۰.۰۰۰۰۰۰۱۸۷۸
۰.۰۰۰۰۰۰۲۸۰۲	۰.۰۰۰۰۰۰۲۷۳۰	۰.۰۱۴۸۰۸۲۰۱	۰.۰۰۰۰۰۰۹۷۲۵	۰.۰۰۰۰۰۰۱۷۵۵	۰.۰۰۰۰۰۰۲۸۴۰
۰.۰۰۰۰۰۰۱۲۷	۰.۰۰۰۰۰۰۱۲۴	۰.۰۰۰۰۰۰۲۰۵	۰.۰۱۰۱۳۱۰۳۰	۰.۰۰۰۰۰۰۰۸۰	۰.۰۰۰۰۰۰۰۱۲۹
۰.۰۰۰۰۰۰۴۰۷	۰.۰۰۰۰۰۰۳۹۷	۰.۰۰۰۰۰۰۰۶۵۵	۰.۰۰۰۰۰۰۱۴۱۴	۰.۰۱۵۲۱۸۱۱۹	۰.۰۰۰۰۰۰۰۴۱۳
۰.۰۰۰۰۰۰۰۷۷۷	۰.۰۰۰۰۰۰۰۷۵۷	۰.۰۰۰۰۰۰۱۲۵۰	۰.۰۰۰۰۰۰۲۶۹۶	۰.۰۰۰۰۰۰۰۴۸۷	۰.۰۲۲۲۸۱۷۵۱
۰.۰۱۲۷۷۴۷۱۱	۰.۰۱۵۴۹۵۹۰۸	۰.۰۱۴۸۱۴۴۸۳	۰.۰۱۰۱۵۳۸۶۵	۰.۰۱۵۲۲۲۰۶۵	۰.۰۲۲۲۸۷۷۶۲
جمع					

همان طور که گفته شد مالیات های اسلامی (تکلیفی و اختیاری) در قالب ماتریس حسابداری اجتماعی در بخش انتقالات آورده می شوند و ماتریس ضرایب انتقالات نشان می دهد که در صورت رشد اقتصادی و افزایش تقاضا به اندازه یک واحد، درآمد خانوارها از محل انتقال بین خانوارها چقدر افزایش می یابد.

بر اساس این جدول در صورت افزایش یک واحد تقاضای کل اقتصاد (رشد اقتصادی)، درآمد خانوارها از انتقالات بین خانوارها بر این اساس افزایش می یابد: خانوارهای شهری فقیر ۰/۰۱۲۷۴۷۱۱، خانوارهای شهری با درآمد متوسط ۰/۰۱۵۴۵۹۰۸، خانوارهای شهری با درآمد بالا ۰/۰۱۴۸۱۴۴۸۳، خانوارهای روستایی فقیر ۰/۰۱۰۱۵۳۸۶۵، خانوارهای روستایی با درآمد متوسط ۰/۰۱۵۲۲۲۰۶۵، خانوارهای روستایی با درآمد بالا ۰/۰۲۲۲۸۷۷۶۲.

۶- نتیجه گیری

همان طور که بیان شد اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را تخصیص نامناسب منابع به گروهی و محروم ساختن دیگران و نیز به کار نگرفتن توان انسان در بهره برداری از منابع طبیعی می داند.

روش اسلام در توزیع درآمد بر اصولی مبتنی است که بخشی از آن چنین است: ۱. احترام به حق مالکیت خصوصی با آزادی اقتصادی در کادر محدود؛ ۲. حق عموم مردم در منابع طبیعی پیش از تولید؛ ۳. حق تهی دستان در اموال ثروتمندان.

توزیع درآمد و ثروت در نظام اقتصادی اسلام از طریق معیارهای متفاوتی انجام می شود. برخی از این معیارها شرعی و الزامی و برخی اختیاری است. معیارهای الزامی عبارتند از زکات، خمس، قانون ارث، منع ربا، منع احتکار، منع اسراف و تبذیر، منع کسب درآمد از طریق مشاغل نامشروع از قبیل قمار، تقلب و غیره. معیارهای اختیاری عبارتند از کارهای خیر اختیاری که ثروتمندان برحسب وظیفه، داوطلبانه اقدام به انجام آن می نمایند. از آن جمله می توان به صدقات و قرض الحسنه اشاره کرد. آنان وظیفه دارند ثروت خویش را در راه رفاه عام جامعه صرف کنند.

بر این اساس در این مطالعه بررسی شد که سهم مالیات های اسلامی (تکلیفی و تشویقی) در سبد هزینه خانوارها چقدر است و همچنین جهت بررسی تأثیر رشد اقتصادی بر میزان این هزینه ها در بین خانوارها از ماتریس حسابداری اجتماعی استفاده شد.

بر اساس نتایج این مطالعه در بین خانوارهای شهری به نسبت دهک های هزینه ای بالا (خانوارهای با درآمد بالا) سهم بیشتری از بودجه خود را صرف هزینه های مذهبی می کنند ولی در مناطق روستایی تقریباً دهک های مختلف سهم یکسانی از بودجه خود را صرف این امور می کنند. بر اساس وضع شغلی سرپرست خانوار هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی گروه کارفرمایان به نسبت سهم بیشتری از بودجه خود را صرف هزینه های مذهبی می کنند.

همچنین در صورت افزایش یک واحد تقاضای کل اقتصاد (رشد اقتصادی)، درآمد خانوارها از انتقالات بین خانوارها بر این اساس افزایش می یابد: خانوارهای شهری فقیر $0/012774711$ ، خانوارهای شهری با درآمد متوسط $0/01545908$ ، خانوارهای شهری با درآمد بالا $0/014814483$ ، خانوارهای روستایی فقیر $0/010153865$ ، خانوارهای روستایی با درآمد متوسط $0/015222065$ ، خانوارهای روستایی با درآمد بالا $0/022287762$. از این طریق می توان میزان اثرگذاری درآمد خانوارها در اثر رشد اقتصادی از طریق انتقالات بین خانوارها را مشاهده کرد. همان طور که گفته شد مالیات های اسلامی بخش اعظم انتقالات بین خانوارها را شامل می شوند.

فهرست منابع

- ۱- ابوالفتحی‌قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، درآمدی بر شناخت شاخص های نابرابری درآمد و فقر، (تهران: مرکز آمار ایران)، ص ۳-۴.
- ۲- بانویی، علی اصغر، فرشاد مؤمنی (۱۳۸۹)، تحلیل ضرایب فزاینده رشد و توزیع درآمد در چارچوب ماتریس حسابداری اجتماعی، پژوهشنامه اقتصادی.
- ۳- بانویی، علی اصغر، علی عرب مازار یزدی (۱۳۸۳)، اهمیت مقوله توزیع درآمد و ابعاد آن در ماتریس حسابداری اجتماعی، اقتصاد و جامعه.
- ۴- بانویی، علی اصغر (۱۳۸۴)، بررسی رابطه بین توزیع درآمد و افزایش تولید در اقتصاد ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی، پژوهش های اقتصاد ایران.
- ۵- بختیاری، صادق (۱۳۸۲)، تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک (تهران: معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی)، ص ۲۹.
- ۶- بناء رضوی، مهدی (۱۳۶۷)، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، (مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی)، ص ۱۹۵.
- ۷- پرمه، زورار، رحیم دباغ (۱۳۸۲)، بررسی توزیع درآمد در ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی، پژوهشنامه بازرگانی.
- ۸- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۱)، اقتصاد بخش عمومی (۱)، (تهران: سمت)، ص ۱۳۸.
- ۹- حمزه پور، محمدحسین، صدر، سیدکاظم، کفایی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۱)، پژوهشهای اقتصادی ایران بهار ۱۳۸۱؛ ۳ (۱۰): ۳۹-۱۳.
- ۱۰- دادگر، یدا... (۱۳۸۰)، اقتصاد بخش عمومی، (قم: دانشگاه مفید)، ص ۳۳.
- ۱۱- صدر، سید محمدباقر، اقتصاد ما، محمدکاظم موسوی، (تهران: انتشارات اسلامی)، ج ۱، ص ۴۲۶-۴۲۴.
- ۱۲- طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۸۹.
- ۱۳- عمر چپرا، محمد، دولت رفاه و نقش آن در اقتصاد، محمد جواد مهدوی، (مشهد: آستان قدس رضوی)، ۱۳۷۴، ص ۲۱۴.
- ۱۴- کیمیجانی، علی اکبر و هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۷۷)، «درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، نامه مفید، ش ۱۴، ص ۲۳۵.

- ۱۵- کیمیجانی، اکبر، محمد مهدی عسکری (۱۳۸۳)، تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۴۶.
- ۱۶- میر معزی، سیدحسین (۱۳۹۰)، نظام اقتصاد اسلامی، مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۷- میرمعزی، سید حسین (۱۳۷۷)، «ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن از دیدگاه امام خمینی»، نامه مفید، ش ۱۴، ص ۲۱۴.
- ۱۸- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۷)، «ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن»، نامه مفید، ش ۱۴، ص ۲۱۸.
- ۱۹- ندری، کامران و وهاب قلیچ (۱۳۸۹)، نقش حاکمیتی دولت اسلامی در بهبود توزیع درآمد، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۵.
- ۲۰- وفایی یگانه، رضا و سید هادی موسوی نیک (۱۳۹۰)، پایه های ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۵، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- ۲۱- هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۸۲)، «ارزیابی عملکرد صندوق های قرض الحسنه در ایران»، مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۲- هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۷۸)، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، (قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، ص ۶۰-۵۵.

23. Pyatt, G. (2001), some early Multiplier Models of the Relationship between Income Distribution and production structure, Economic systems Research, vol. 13, no. 2.

24. Thorbecke, E. (1997), social Accounting Matrices and social Accounting analysis, in W. Isard, I. J. Azis, M.P. Drennan, R. E. Miller, S. Saltzman And e. Throbecke Methods of Interregional Analysis, Ashgate Publication, England chap.7.

